

والد



والد در نظر آلفرد آدلر روان پزشک و روان درمانگر بنام اتریشی اینگونه بیان می‌شود که سبک‌های برخورد والدین با کودک به دو دسته ی کلی یعنی پر توجه بیش از اندازه، ناز پرورنده و بی‌توجه بی‌اعتنا و غیر قابل دسترس طبقه بندی می‌شوند.

والد

والد، بیش از اندازه در دسترس کودکان خواهد بود که انتظار دارند مرکز توجه باشند و دیگران برطبق امیال آنان رفتار کنند آنها اینگونه خواهند آموخت، گیرنده باشند تا دهنده، و خودآگاهی اینکه چگونه خودشان با مشکلاتشان روبرو شده و بر آنها فائق آیند نخواهند داشت در نتیجه، آنها شدیداً وابسته به دیگران شده و احساس می کنند برای مواجهه و حل مسائل در تکالیف زندگی از خود مطمئن نیستند و به نظر توانایی حل مسئله را ندارند، بنابراین تقاضای کمک و توجه بی مورد از دیگران را دارند این تقاضاها ممکن است به واسطه پرخاشگری یا از طریق بروز و علائم بیماری و یا به واسطه ابزارهای مثبت (تمایل به موفقیت) یا منفی (ترس و تهدید از مشکلات) بیان شوند.

اگر والد پر توجه، هنگامی که کودکان نازپرورده شان بزرگ شوند برای مدت طولانی به آنها توجه نداشته باشد، این کودکان ممکن است این امتناع را به عنوان پرخاشگری علیه خود تلقی کرده که بسیار احتمال دارد منجر به انتقام گرفتن از دیگران توسط این کودکان شود.

والد بی توجه و بی اعتنا، هنگامیکه کودکان خود را مورد بی اعتنایی طرد یا سوء استفاده قرار دهد، تجربه عشق و همکاری را ایجاد نکند آنها معنای یک ارتباط موثر و محرک با دیگران را نمی دانند در نتیجه اغلب احساس تنهایی و بدگمانی دارند و به هنگام مواجهه با مشکلات، این مشکلات را زیاد برآورد کرده و توانایی های خودشان را دست کم می گیرند.

والد بی توجه و بی اعتنا خود کودکان بی توجه و بی اعتنا ایجاد خواهد کرد کودکان والدین بی توجه برای به دست آوردن آنچه که آنها به عنوان

والد

کودکان دریافت نمی‌کنند، ممکن است احساس محق بودن برای توجه خاص یا جبران (پاداش) را داشته باشند بسیار احتمال دارد که انتظار داشته باشند تا دیگران به خوبی با آنها رفتار کنند، اما به نوبه خود احساس تعهد به پاسخگویی نمی‌کنند.

هم والد کودکان نازپرورده و هم والد هم کودکانی که مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند و البته کودکانشان نیز ممکن است انتظارات همانندی به عنوان بزرگسال داشته باشند. هر دو گروه ممکن است احساس محق بودن برای همه چیز را داشته باشند و احساس تعهد به هیچ چیزی را نداشته باشند.



والد

والد گری در دیدگاه آلفرد آدلر

والد گری آدلری در نظر اجتماعی و زیستی توجیه و تکریم می‌شود. والد گری آدلری والدینی را موفق میدانند که بر پایه احترام متقابل و تنظیم آزادی طرفینی استوار است در والدگری و نگاه آدلر بر پیشگیری‌های شناختی و احساسی اولویت بیشتری داده می‌شود تا فرآیند استحقاق درمانی.

استین، مواردی را به سبک والدینی اضافه کرده است تا رویکرد آدلری، از سبک والدینی دموکراتیک را بهتر منعکس کند این تقسیم بندی به شرح زیر است:

1. **سبک دموکراتیک:** در این سبک احساس منحصر به فرد بودن کودک پذیرفته شده است. عشق احترام و احساس مساوات برای کودک فراهم شده است، کودک را تشویق می‌کنند تا اشتباهاتش را تصحیح کرده و توانایی‌های خود را گسترش دهد. همچنین کودک را راهنمایی می‌کنند تا اهمیت همکاری را دریابد. کودکان در این سبک رضایت در پیشرفت و همکاری را می‌یابد و جهان را به عنوان یک مکان امن و دوستانه می‌بینند.

2. **سبک بسیار سهل گیر:** کودکان با هدایا مزایا و خدمات روبه رو شده اما توجه کمی به نیازهای واقعی‌اش داده می‌شود. کودک در این سبک خسته و بی‌تفاوت است. کودک انگیزه و خود انگیزگی را از دست می‌دهد والدین در این سبک، به عنوان تهیه کننده‌های لذت و آسایش نگریده می‌شوند.

والد

3. **سبک بسیار مطیع:** در این سبک والدین تسلیم آرزوها، خواسته‌ها، خلق و امیال کودک می‌شوند، کودک رئیس بوده و والدین نمی‌توانند به کودک نه، بگویند کودکان اصرار دارند تا خواسته‌هایشان برآورده شود حقوق دیگران را نادیده گرفته و هیچ محدودیتی ندارند.

4. **سبک بسیار جدی:** بر رفتارهای کودک نظارت داشته در حال دستور دادن هستند و گرایش به آموزش دادن کودک دارند. در این سبک سه احتمال وجود دارد:

- الف- احتمال اول، منفعل بودن است که کودک منفعلانه از دستورات اطاعت می‌کنند.
- ب- احتمال دوم، فعالانه لجابت بورزد آشکارا مخالفت کند، نتیجه این حالت، رد کردن کلامی است.
- پ- احتمال سوم، مقاومت منفعلانه است، نتیجه این احتمال لجابت غیر مستقیم است.

5. **سبک کمال گرا:** زمانی کودک پذیرفته می‌شود که عملکردش عالی باشد کودک نمی‌تواند استانداردها را برآورده کرده در نتیجه احساس بی‌ارزشی کرده و ممکن است نشانه‌های جسمی همچون زخم معده را بروز دهد. کودک در این سبک یک دونده دائمی است، در تلاش برای دویدن سریعتر است، اما هرگز به پایان نمی‌رسد.

6. **سبک بسیار مسوولانه:** والدین ممکن است مسئولیت‌های سنگین مراقبت از کودکان و یا وظایف خانگی زیاد را به دلایل مشکلات

والد

اقتصادی و شخصی، مرگ یا بیماری یکی از والدین بر عهده کودک بگذارند کودک ممکن است این بار و مسئولیت را با دلخوری قبول کند و بازی‌های طبیعی دوران کودکی را از دست بدهد. این کودک بطور غالب در بزرگسالی می‌تواند کم احساس، واکنش پذیر، بطور معمول بیش از اندازه مسئولیت پذیر و یا بی تفاوت باشد.

7. **سبک بی توجه:** والدین اغلب مشغله فراوان دارند یا نیستند، والدین ممکن است با کار، دارایی، مشکلات مالی، الکل ایسم طلاق یا بیماری مشغول شوند یا این موارد برایشان مهم باشد. هیچ کس محدودیتی وضع نمیکند بی توجهی به کودک معمولاً از نظری هیجانی است (او را دچار هیجان‌های درونی میکند). معمولاً این کودکان قادر به شکل دادن ارتباطات نزدیک نیستند.

8. **سبک طرد کننده:** والدین هر نوع پذیرش را طرد کرده و با کودک به عنوان یک فرد مزاحم و بی مسئولیت رفتار می‌کنند والدین ممکن است کودک را طرد کنند، که ممکن است از ازدواج اجباری یا متولد شدن کودکی ناقص ناشی شده باشد. در این سبک، احساسات کودک عمیقاً آسیب دیده و ممکن است احساسات خشم، اضطراب را گسترش دهند.

9. **سبک تنبیهی:** اغلب با اعمال فشار زیاد و کمالگرایی همراه است. تنبیه بدنی اغلب برای برقراری نظم یا آموزش کودکان در این سبک ضروری است. والدین ممکن است عصبانیت شخصی خود را بر سر

والد

کودک خالی کرده و به کودک پرخاشگری کنند. کودک احساس گناه کرده و برای اجتناب از تنبیه دروغ بگوید.

10. **سبک هیپوکندریایی:** جو خانه مضطرب و ترسناک است. کودک ممکن است، به خاطر مساله ای کوچک از انجام دادن هر کاری اجتناب یا تنبلی کند. کودک از کارهای روزمره و کار مدرسه دور شود. کودکان برای دریافت مزایا ممکن است در مورد نشانه‌ها اغراق کرده و از انجام تکالیف روزمره خود را معاف کند.



والد

الگوی والد حالاتی از من

باید توجه داشت والد یک شخصیت درونی است که هرکس با خود دارد و این هویت از خود را از دوره کودکی و ارتباط با والدین خود به همراه دارد بطوریکه این نقش از شخصیت یک خودانگاره (من) بشکل یک الگوی ناهشیار در روان و ذهن هر شخصی خواهد ساخت.

حالت والد مجموعه‌ای از احساسات نگرش‌ها و طرح‌های رفتاری است که ویژگی‌های مشابه آنها در والدین هم وجود دارد حالت من والدین شامل مجموعه ، انبوهی از وقایع خارجی و تحمیلی غیر قابل سوال در مغز است که توسط فرد در خلال سال‌های اولیه زندگی اش حاصل شده است و معمولا پنج سال اولیه زندگی را در بر می‌گیرد. این سال‌ها با سال‌های قبل از اجتماعی شدن و ورود به مدرسه متقارن است. عنوان والد نیز برای این حالت در حقیقت نامی توصیفی است زیرا بیشتر ضبط‌های این مجموعه اطلاعات محصول ملاحظات خود طفل از پدر و مادر یا از کسانی است که جانشین پدر و مادر بوده‌اند.

تمام چیزهایی که کودک از پدر و مادرش می‌بیند یا می‌شنود، در نوار والد ضبط می‌شود، والد در شخصیت هر فرد وجود دارد زیرا هر فرد این محرک خارجی را در پنج سال اول زندگی خود تجربه کرده است. برای هر فرد جنبه والد ، مخصوص و منحصر به خود اوست. زیرا نوارهای ضبط شده او از تجربه‌های اولیه زندگی با پدر و مادر خودش برای او مخصوص و منحصر به فرد است (هریس ۱۹۷۳، ترجمه فصیح ۱۳۸۴).

والد

والد

کم کم والدین درون کودک نهادینه می‌شوند. انگار والد درون ذهن کودک به او می‌گوید چه کاری انجام دهد چه کار انجام ندهد و این موارد را با حالت‌های حسی، هیجانی به او منتقل می‌شود مثلاً اگر زمانی مادری به فرزندش بگوید: «دست نزن به آن وسیله خطرناکه اگر این کار را بکنی دیگه دوستت ندارم.»

وقتی مادر این گونه با کودک رفتار می‌کند، کودکی که هیچ ذهنیتی از دنیا ندارد و خوب و بد را تشخیص نمی‌دهد در ذهنش حک می‌شود که آدم بدی است چون کاری را انجام داده است که باعث طرد شدن از مادرش شده و این حس را می‌گیرد که من دختر یا پسر بدی هستم کم کم وقتی این کار تکرار می‌شود و والدین با کودک فقط با حالت عصبانیت، طرد کردن، تو خوب نیستی، تو کافی نیستی و یا با این نوع از واکنش‌ها برخورد کنند کم کم درون بچه این حالت نهادینه می‌شود که فرد بدی است.

به این حالت حالت والد می‌گویند. والدی که ما را کنترل می‌کند یا سرزنش می‌کند چون مشغول تربیت کردن ما است و می‌گوید چه چیزی درست است چه چیزی غلط.